

**ضرب‌المثل‌های فارسی «ز»**

«ز آب خرد، ماهی خرد خیزد// نهنگ آن به که با دریا ستیزد» سعدی ...



«ز آب خرد، ماهی خرد خیزد// نهنگ آن به که با دریا ستیزد» سعدی

«زاغم زد و زوغم زد، پس مانده کلاغ کورم زد.» (زوغم زد و زاغم زد، پس مانده کلاغم زد!)

«زبان بریده به کنجی نشسته صم بکم// به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم» سعدی

«زبان خر را خلج می‌دونه.»

«زبان خوش، مار را از سوراخ بیرون می‌آورد.»

«زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد.» (به پای شمع شنیدم زقیچی پولاد...) امیرخسرو دهلوی

«زبان گوشت است به هر طرف که بچرخانی می‌چرخه.»

«زخم زبان از زخم شمشیر بدتره.»

«زدی ضربتی ضربتی نوش کن.»

«زردآلو را می‌خورند برای هسته‌اش.»

«زرنگی زیاد فقر می‌آره.»

«زرنگی زیاد مایه جوانمرگیست.»

«ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است» (دلی که عاشق و صابر بود مگر سنگ است...) سعدی

«زعفران که زیاد شد بخورد خر می‌دهند.»

«زکات تخم مرغ یک پنبه‌دونه‌است.»

«زمانه‌ایست که هر کس بخود گرفتار است» (تو هم در آینه حیران حسن خویشتنی...) آصفی هروی

«زمانه با تو نسازد، تو با زمانه بساز.»

«زمستان رفت و رو سیاهی به زغال موند.»

«زن آبیستن گل می‌خوره اما گل داغستان.»

«زن از غازه سرخ رو شود و مرد از غزا.»

«زن بد را اگر در شیشه هم بکنند کار خودشو می‌کنه.»

«زن بلاست، اما الهی هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشه.»

«زن بیوه را برای میوه‌اش می‌خواهند.» (یعنی برای ثروتش))

«زن تا نژائیده دلبره، وقتیکه زائید مادره.»

«زن جوان را تیری به پهلو نشیند به که پیری.»

«زن راضی، مرد راضی، گور پدر قاضی.»

«زن سلیطه سگ بی‌قلاده‌است.»

«زنگوله پای تابوت.»

«زن نجیب گرفتن آسونه، ولی نگهداریش مشکله.»

«زنی که جهاز نداره، اینهمه ناز نداره.»

«زورش به خر نمیرسه پالونش را برمی‌دازه.» (...پالونش را می‌زنه)

«زور داری، حرفت پیشه.»

«زور دار پول نمی‌خواد، بی‌زور هم پول نمی‌خواد.»

«زهر طرف که شود کشته، سود اسلام است.»

«زیراندازش زمین است و رواندازش آسمون.»

«زیر پای کسی پوست خریزه گذاشتن.»

«زیر دمش سست است.»

«زیر سرش بلنده.»

«زیر شالش قرصه.»

«زیر کاسه نیم کاسه ایست.»

«زیره به کرمان می بره.»